

موقوفات غياث الدين علي الغياثي

به كوشش آقای کرامت رعنا حسینی

از سه‌مترین اسناد تاریخ اجتماعی ایران وقف‌نامه موقوفات
غیاث‌الدین علی بن سیدی محمد بن مرشدالدین احمد الغیاثی است
که سن در اینجا همت به تصحیح آن گمارده‌ام و مشخصاتش
این است :

اندازه‌اش ۲۷ × ۸۷۰ سانتیمتر است که بخط نسخ مایل
بثلث بر روی کاغذ اصفهانی ضخیم متن وقف‌نامه را در ۱۵۷ سطر
نوشته‌اند. این وقف‌نامه نفیس و زیبا سرلوحش مذهب است و
نه تنها مجدول به طلاست بلکه اسامی ائمه را با آب طلا نوشته‌اند.
از بعضی مجلات چنین استفاده می‌شود که از این وقف‌نامه در ابتدا
دو نسخه تهیه شده بوده که فقط نسخه ثانی از گزند زمان مصون
مانده است و بدست ما رسیده .

این نسخه از آن آقای میرزا محمدحسن آصفی است که به
پایمردی تیمسار امان‌الله کوثر مدتی آنرا در اختیار گرفتیم .
استاد محمد واجد مراد در مقابله کردن و تصحیح یاری فرمودند.

کرامت رعنا حسینی

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم لك الحمد يا غياث العالمين ، ورافع حجب السالكين ، وفقنا للاهتداء الى باب مدينة
العلم والدراية، لرؤية شارق انوار الهداية ، وجنبنا عن سراقدة الغفلة والجهالة ، لنخرج به من
ظلمات الغواية والضلالة، و ثبتنا على الاقتداء بامام المدينة ، صاحب السكينة ، من له الحكمة
والبهاء، والنجدة والتقى صاحب المواء الممدود، والمقام المحمود، غياث الامة، كاشف الظلمة والغمة،
نبي الوري، محمد المصطفى - صل وسلم عليه - . وعلى امير المؤمنين وامام المتقين المنصوص بنص

انما، المخصوص بنزول هل اتی، فاتح خزائن الحكمة النبوية، خاتم الولاية العامة المصطفوية، مطلع انوار الهداية، مجمع اسرار النبوة والولاية، وارث علوم الاولين والآخرين، كاشف معضلات امور الدين، مظهر العجايب ومظهر الغرايب، عوننا في النوائب، وغوثنا في المصائب، اسد الله الغالب على بن ابي طالب. وعلى الامين الهامين الحسنين الاحسنين، للمصطفى سبطين، و المرتضى والزهاء قرتي العينين، الامام ابي محمد الحسن، والامام ابي عبد الله الحسين، وعلى سيدالمتقين واب الائمة المعصومين الامام ابي محمد علي زين العابدين، وعلى العالم العادل الذي هو في العلوم ماهر، سيد الاوائل والاواخر ابي جعفر محمد الباقر، وعلى سيد المخالف والموافق، المتفوق على كل فائق، الامام ابي علي جعفر الصادق، وعلى العابد العالم قاتل الكفرة بالسيف انعام، الامام ابي ابراهيم موسى الكاظم، وعلى قبلة الوري، شمس الضحى، بدر الدجى، الرضى المرضي المجتبي الامام ابي الحسن علي الرضا، وعلى الولي الجلي، وارث شجاعة المرتضوى الامام ابي جعفر محمد التقي، وعلى مقتدى الحاضر والبادي، ولي الجود والايادي الامام ابي الحسن علي الهادي، وعلى وارث علوم النبوي، والشجاعة الحيدري ابي محمد الحسن العسكري، وعلى صاحب الزمان قانع الكفر والطغيان، السر الخفي والكوكب الدرر الامام ابي القاسم محمد المهدي صلوة دائمة الى يوم الدين.

وبعد برسمایر ضمائر اولی الایادی والبصایر پوشیده نیست که : هر که را شمع هدایت ازلی رهبری نماید، و خاطر مصفی از کدورت نفسانی و هواجس شیطانی دستگیری کند، در سراً ضمیر او چون عرایس غیب جلوه گر شود صورتی این معنی که مرا . . . دنیة دنیویہ را بقائی، ولذب فانیہ جسمانیہ را ثباتی نیست؛ و ارتقا بر معارج سعادات ابدیہ، واعتلا بر مدارج درجات اخرویہ **يوم لا املك نفس لنفسي شيئا والامر يومئذ لك** کسی را میسر گردد که همگی اوقات فرخنده ساعات در تحصیل قربات، و تکثیر خیرات جاریات، و سیرات ساریات، و لواء اهل بیت خیر المرسلین، و اعتصام بحبل المتین مودة طیبین و طاهرین سعی موفور و بذل مجهود بتقدیم رساند. و تمامی همت بلند و جملگی نهمت ارجمند متوجه حصول این مقصد اقصی و وصول باین مرتبة قصوی سازد.

ولهذا چون بر غلام خاندان نبوت و ولایة **غیاث الدین علی بن سیدی محمد بن مرشد الدین احمد الغیائی** مصداق این معنی ظاهر و پیدا و باهر و هویدا گشت اسلاک و رقبات مفضله آتیہ واقعه در **دار الملك شیراز** که بوجوه انیقه شرعیہ و انحاء و انهاج اثیقه (کذا) بلیه در تحت تصرف در آورده بود، و سلکیه و حقیقه او حین انشاء الوقف در ضمن سرافعه



شرعیه بعرض حجات ناطقات و بینات عادلالت بی مجادلله مجادللی و مناقشه مناقشی بشیوت رسیدیه بود، درعلیا محکمه محکمه صدریه محمدیه حسنیه حسینیه اعلاهاالله سبحانه و تعالی - وقف مؤید و حبس مغلد گردانید تقریباً الی الله تعالی ، و طلباً لمرضاته ، وهرباً من و بیل عقابه بر مشهد مقدس منور و مرقد مطهر معطر و قبه غفران قباب رفیع جناب و سده سدره مرتبه حائریه حسینیه که کواکب متحیره باوجود آنکه سرتاپا چشم گشته، و گرد حدایق افلاک و عناصر گردیده، بلمعان شمسه شرفه آن لامعی ندیده ، و از تلالؤ انوار مصابیح لامعه و مشکوه ساطعه اش در مقام حیرت خیره مانده. و گنبد خضراء افلاک باوجود استضاء و استنارة از اضواء ثوابت و سیار و مشاعل اشعه خورشید کثیر الانوار مقتبس از مشکوه منیر و مصباح مستنیر آن مشرق اشراقات ربانی و مطلع شمسوس معارف و حقایق سبحانی است. و همانا از کمال استعداد نور و فرط ظهور در شان آن نازل گشته یکاد زیتها یضیء و لو لم تمسه نار نور علی نور لزال نواظر الاحرار منوره بانوارها القدسیه و مشکوه فؤاد الابرار سوقة من لمعات شمسها الحقیقیه.

منها ما وقع فی الحومه : و آن تمام محوطه کرد آباد و طغی است و ارض کمال آباد که اولاً داخل کرد آباد بوده و بعد از آن مفروز و مقسوم گشته و مغروس شده و موسوم به کمال آباد گردیده - و اکنون بیاض و منقطع الاشجار است - و بدستور سابق داخل کرد آباد گشته، و مجموع محوط بجدران قویم البنیان گردیده ، و بسط کل آن تخمیناً سیصد فیماں است بقیامین مظفری، و علی الاتصال واقع است در بیرون درب کازرون از دار الملک شیراز با جمیع توابع و لواحق، و مضافات و منسوبات ، و جداول و انهار ، و حرایم و ضمایم ، و مشارب و مجاری و آبار مستغنی از ذکر حدود و شرح اوصاف؛ و مع هذا محدود است از قبله : «بشارع و بیخانه ملک غیر و دروسر از آنجا . و از شمال : «بارض عنبر و کفتر دان که از جمله موقوفات حرمین شریفین است و بیاغ عادل آباد و بیستان مکسی ملک غیر» . و از صباء : «بمحوطه محمد آباد و باغ برج و جباجی و باغچه مشهور بحلیم آقائی و بشارع» و از جنوب : «بیاغ سنگک و خواجه میرمی و بیخانه و باغچه نوشاد آقا و بکفد مرغابی و بیخانه و باغچه و دکان تری پای سروک» . و جمیع این محوطه محدوده بتاریخ شهر رمضان المبارک سنه تسع و اربعین و تسعمائه در دار المؤمنین قم وقف مؤید شرعی گردانیده بر مشهد اقدس موقوف علیه مزبور در حضور قضاة اسلام و اکابر و اعیان انام و فضلا

وعلماً اعلام که اساسی شریفه خود بوجه این مجله ملیه مرقوم ساخته برطبق آن اشهاد می‌نمایند.

وتمام **بستان مشرف و رئیسک و عدلانی و شدان و... جالی مشجر مکروم** محوط مغروس که الیوم کل آن موسوم است **بیاغ مش...** در موضع **تجر از قری الاعالی** باجمیع توابع ولواحق و عمارات واقعه در دهلیز بسنیه بریک طبقه و دو طبقه محدود از قبله: «**بکفد کاولی و بستان حبشه**». و از شمال: «**ببستان حبشه و ملک غیر**». و از صبا: «**بشارع و دروسم از آنجا**». و از جنوب: «**ایضا بشارع**».

وتمام **قنات محمد آباد کوه دراک** دایراً واقع در اراضی کوشن باجمیع توابع ولواحق و جداول و انهار و حرایم و آبار سفتح آن: «**فوق کوشک معین آباد**» و منبع آن: «**حضیض جبل دراک**» و قبله: «**قناة مجد آباد و قناة سوتا**» و صبا: «**قناة صندل**». وتمام **قناة سوتا و صندل محدود الیهما**: «**قناة محمد آباد**» مذکور مع التوابع واللواحق و الجداول و الآبار.

وتمام **قناة فخر آباد و سوتا** واقع در همان محل مستغنی از تحدید مع المضافات و المنسوبات و المتعلقات.

وتمام **قناة صدری** هم واقع در آنجا باسفتح آن: «**قریب باغ معین آباد**». و منبع آن: «**حضیض جبل مذکور**». و قبله و صبا: «**قناة طالبی**».

وتمام **قناة محمد آباد دنیکان** دایراً واقع در موضع **دنیکان از قری الاعالی** حومه شیر از باسفتح آن: «**نهر اعظم قمشه**». و منبع و شمال آن: «**قناة مجد رومی و قناة خربه خواجه علی کاشی**» و جنوب آن: «**باغ نور آباد و قناة خویره و مجد رومی**». با تمام مضافات و کافه منسوبات.

وتمام **قناة غیائی** واقع در **قمشه**، مفتح آن: «**نهر اعظم**» و منبع آن: «**جبل روشنک**» محدود از شمال: «**بعضی بقناة بایندر آباد و بعضی بقناة عبداللطیفی و قصابان جدید**» و از جنوب به «**قناة قمر نو**».

وتمام **قناتین بائرن موسومین بعلیاباد و عماد آباد** واقعین در قریب **جوشک از قمشه** مستقیین از تحدید لغایة الشهرة.

وتمام **نصف مشاع از کل قریه دهک** و مزرعه **خیر آباد** متمل بان که موقع **هر دو** موقع **کفرویه** است، مثل آن از توابع ولواحق و اراضی و صحاری و براری و جداول و انهار و

دهکده وآبار و شرب مرتب برقریه مذکوره از چشمه بابا حاجی و شرب مرتب بر مزرعه خیر آباد از قنایه خربه مشهور باسم آن، محدودین از قبله: «بشارع و مزرعه فخر آباد» و از شمال: «بمزرعه ظفر آباد». و از صبا: «به بیشه» و از جنوب: «بقریه دوة آباد رستهمان». و تمام قریه جوکان و ثلث باغ قاضی و اتعین در موضع کفر و یه با جمیع قنات دایره و بایره، و جداول و انهار، و اراضی و صحاری و آبار، محدود از قبله: «بشارع باکوه» و از شمال: «بحفره خرما و بیشه». و از صبا: «به بیشه»؛ از جنوب: «بمزرعه و کوشک بیدل و بحسن آباد و زرنجان».

و تمام حفرة خرما مع قنایه مرتبه جاریه بر آن با جمیع توابع و لواحق واقع در شمال قریه جوکان مذکور مستغنی از ذکر حدود لغایه الشیوع.

و منها ما وقع فی بلوک کوار و آن تمام مزرعه جر مغان و پنجشنبه و برکان است که متصلند بیکدیگر و واقع در حومه بلوک مذکور با مجاری و شرب مرتب بر آن از رودخانه بند بهمن که آن سه سهم و دودانگ است از جمله هشتاد و سه سهم و سه دانگ و نیم و یک طسوج مع التوابع و اللواحق، و الصحاری و الاراضی، و الجداول و الانهار مستغنی از ذکر حدود لغایه الاشتهار.

و منها ما وقع فی بلوک را مجرد و آن نصف مشاع است از کل موضع اونجان که در تاریخ شهرشوال سنه تسع و ثلثین و تسعمائه وقف شرعی مغلد مؤبد مقرون بقریه مستجمع شرایط صحه فرموده بر مشهد مقدس مذکور با مثل آن از جمیع توابع و لواحق و مضافات و منسوبات و شرب مرتب بر آن از بند زبرمتخذ از رودخانه کر مستغنی از ذکر حدود و شرح اوصاف لغایه الشیوع و کمال الاشتهار عند اهلها و عدم سميها فی موضع وقوعها، و قفی صحیح شرعی مغلد مؤبد منجز مقرون بقریه و قبض و سایر شرایط صحه الی ان یرث الله الارض و من علیها و هو خیر الوارثین.

و تولیت آن رجوع فرمود اولاً بنفس نفیس خود مادام حیاة - اطال الله عمره و ضاعف قدره - و بعد از آن بخلف صدق خود سعاده دنار، نجایه آثار شهسا لسماء الجود و الاحسان محمداً بالسنة الاکفاء و الاقران، و بعد از آن به ارشد بنین او، و بعد از آن بارشد بنین بنین او؛ و هکذا ما تناسلوا و تعاقبوا. و بعد از انقطاع بنین بنین بارشد بنین بنات و بعد از انقطاع بنین مطلقاً بارشد بنات؛ و بعد از انقطاع بنین و بنات بارشد بنین برادر اعیانی شمساً محمداً سشارالیه اعنی سعادت نصاب مظفراً للانام هرشدا؛ و بعد از انقطاع نسل ایشان - و العیاذ بالله - بمتولی شرعی عتبه علیه موقوف علیها الی ان یرث الله الارض و من علیها.

و شرط فرمود حضرة واقف مشارالیه در حین انشاء وقف که محصول رقبات سوقوفات فوق؛ اولاً صرف عمارات ضروریه سوقوفات نمایند مثل قنواة وجداول وجدار وانهار وارضی وابنیه و باغات؛ و بعد از آن مالوجهات واطلاقات دیوانیه و تخم و تقاوی از آن تنخواه کنند و آنچه بماند ربع متولی بحق التولیه متصرف شود، و ربع باولاد شمساً محمداً متعلق باشد للذکر مثل حظ الانثیین، و بعد از انقطاع اولاد او باولاد مظفرالانام هر شداً موسی الیه. و اگر عیاداً بالله اولاد ایشان بالتام منقطع شوند وقف باشد برفقراء مؤمنین مستحقین؛ و ربع نقل نمایند بعتبه علیہ سوقوف علیها که متولی شرعی آنجا به مستحقین مؤمنین صرف نمایند؛ و ربع تتمه بفقراء و مستحقین مؤمنین شیعه که متوجه زیارت عتبات سدره مرتبات غرویه و حائریه و رضویه باشند رسانند که ضروریات راه از آن مرتب سازند.

و همچنین شرط فرمود که رقبات سوقوفات را نفروشد و نبخشد و تبدیل نمایند و مروهون نسازند و منافع آنرا مباح نگردانند. و زیاده از یکسال با جاره ندهند، بیک عقد و نه بعقود متعدده. و بحکام و ستغلبه و اتراک و عمال دیوان مطلقاً با جاره ندهند، و وکلاء دیوان الصداره بهیچ وجه در آن مدخل نسازند. حساب از متولی نطلبند، و در دفاتر وقف مطلقاً در نیاورند، و طلب رسم الصداره نمایند، و بعلت سوقوفات و پیشکش حکام حواله نکنند. و تغییر کننده این امور و شروط در اعنت خدا و رسول و ملائکه مقربین باشد، لعنتی که متوجه جمیع سلاعین اولین و آخرین است، و لا یقبل الله منه صلوة و لا صوما و لا فریضه و لا نفلا، فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یدلونہ ان الله سمیع علیم.

و بعد ذلک حضرت واقف تقبل الله منه حسناته جمیع رقبات سوقوفات مذکور را از ملکیت خود بیرون کرد، و بحکم تولیت باز بتصرف خود در آورد. و استقرار یافت و در ضمن مرافعه شرعیه بعد از رعایت جمیع مقدمات علیه حکم بر صحت وقف سزبور بحصول پیوست و مضی و منفذ و مبرم و مستحکم گشت و بذلک کله وقع الاشهاد و الانفاذ فی شهر رمضان المبارک سنة احدی و خمسين و تسعمائة الهجرية النبوية الخاتمية و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین و عترته الطاهرین.

سجلات

(۱) - هو غیاث المستغیثین. الحمد لمن وفق خالص عباده لنشر الصدقات علی المستحقین، و اعان کمل احبائه بافاضة المبرات، علی الفقراء و المساکین و الصلوة علی واضع قوانینی الخیرات و مسهد قواعد الحسینات، سید الاواین و الاخرین و آله الطیبین الطاهرین، حجج الله علی العالمین.



وبعد، قال امير المؤمنين، وامام المتقين، وقائد الغر المحجلين، وسيد الشهداء والصدّيقين، عليه شرائف صلوة المصلين، في منصرفه صفيين، ان الدنيا محل الانتقال، وان ليس للانسان الاماسعي من محاسن الاعمال، والسعيد من بذل جهده في افاضة الخيرات، واشاعة المبرات والصدقات، اسباب الفوز بسعادة دار القرار، والشقي من قصر همته في اقتناص اللذات والشهوات، فوئد الدنيا وخصائص دار البوار، فطوبى لمن تنقص في هذه الدار، ونظر فيها بعين الاستبصار والاعتبار، فلما ايد الله تعالى حضرة الاصف الدستور، والمشهور بالرأي الثاقب بين الجمهور، الواقف المذكور في الزبور، الذي يذكر نبذ من مناقبه خلال السطور، ويشار الى بعض محامده طي المسفور، ايد الله تعالى ظلال محاسنه ومكارمه الى يوم التشور، بالسعادة الازلية والدولة الابدية وبقه بانشاء هذه الوقفية الجليلة، وابداع تلك الصدقة السرمدية، واني غب صدور الاعتراف عنه تقبل الله خيراته وضاعف حسناته بما عزي الى نفسه النفيس، ونسب الى ذاته الشريف، احكمت كلما يسد من المباني بالحكم والقضاء وابرت ورمه ما يثبت من المعاني بالاشهاد والانفاذ والامضاء وانا الراجي عفو ربه يوم التلافي على الله شهير بالشريف الباقي غفرله ورحم الله عبداً قال آمينا.

(در پايان مهراوست كه مركب از دو دایره متحد المركز است كه قطر دایره بیرونی ۲/۵ سانتیمتر و قطر دایره اندرونی يك سانتیمتر است و در وسط این دایره بخط نسخ نوشته شریف باقی و در تاج این دو دایره این شعر حافظ بخط نستعلیق حک شده.

جوزا سحر نهاد حمایل برابرم

یعنی غلام شاهرهم وسو گند میخورم)

(۲) هو، هو. سبحان من تقدس لقدس قدس القديسين تقدسه، وجل من تجلى بجلى تجلى جلاله اجله اجليه تجليات تجليات انسه، اللهم يا غياث المستغيثين قرّبنا الى كعبته فنائك وارزقنا الانعماس في تأمل كبرياتك صل وسلم على نبيك ونبينا نبينا بين اثقلين سنن سنن من العلم الى العين صدر صدر كتابك بعد بعد بعد بعد اعداء شمائل احاسن صفاتك وعلی ائمتك فی امتك منك اعملونا وبك اداونا وادلونا ان ادلونا عما علمونا واعلمونا من فواضل فواضل ذاتك، اللهم صل على محمد وآله المعصومين مادامت الدواير وقامت الارضين . وبعد فغير خاف على حاف يخاف من خفي اعلن الخفيات، وواقف خائف وفق بان وقف بوفق لوفق الفيض آجال عمره في توفيق توفيق اسماء اذات والصفات، ن الدنيا الدنيا ذاهب

طالق بلاربعه و رجوع، كماطلقها واطلقها اميرالاصول والفروع، حيث قال صلوة الله عليه غرى غيرى فانى طلقتك ثلاثاً لارجعة لى فيك كيف لاوكيفه بكيفية ربه وزيفه يدعوك و يناجيك فاستبقاها من ابقياها وانقيها باستيفاء استبتهاء آثارخيرها، لاغيرغافل غافل غفل وعقل واعقل و- عقل دواب ذوات سيرها واستحصل ادوات ريعها وضيرها فلهدا توجه الاصف الوزير الكبير العظيم القدر الجليل الخطر، غياث من استغاث من الملهوفين واضع مواضع الخير والبر للمساكين، محب الأئمة المعصومين العلى المستعلى الى مراقى الدين الى جمع املاك منتجة خيراً كالأفلاك، وداعية نفعاً لأضراً كالأفلاك، ووقفها كما فقهوا فيها الفقهاء على رياض الجنة، وسلائم شفاه الانس والجنة مضاجع مصاقع الأئمة الاجلة، معاهد سراقد اماجد الاكارم الاخلة، و ماهم الاسلاسل سلائل سيد المرسلين، خلائل جلائل رب العالمين، صلوات الله وسلامه عليهم اجمعين ما قامت ودارت السموات والارضون.

بدور بحور غيوث ليوث سيوف سهام صقور بزاة

كما احكمت بمنطوقه آيات آيات ذاك الكتاب و فصلت مضمونه و مكنونه مكنونه لبريات الالباب وانى بعد ثبوت القوادم صرت شاهداً بمدلوله و فحواه حاكماً حكماً محكماً على محصله و مغزاه تفويضاً بمن فوض الله اليه خلافة الارض، وجعل اطاعته كطاعته فرض العين وعين الفرض، غياث الحق والدنيا الدين، مشيد قوانين دين سيد المرسلين، . . . مطاع الاكاسرة، مروج الدين المبين وعلی معالم مذاهب العترة الطاهرة، اعنى الحضرة العلية والسدة السنوية السلطانية الخاقانية ملك ملوك الاسلامية السيدية السندية الاعلوية الاكلمية الا و رعية الافضلية الاكريمه الافخميه الشهنشاهيه المظفرية الطهماسبيه الاسماعيليه الحيدريه الصفويه المرشديه الموسويه الكاظميه الحسينيه دام مملکاً ناصية المراد واطياً باقدام هممه قم السبع الشداد ما اقرليل الذوائب من خدود الكواعب وانا الفقير الى الله الغنى صدرالثانى محمد بن ناصر الشريعة منصور صدرالحسنى الحسينى الفارسى رحمه الله وتجاوز عن سياته وغفر لاسلافه وآبائه آمين يارب العالمين مهر: بقطر سه سانه تيمترکه برروى آن صدرالحقيقه محمد منصورالحسنى الحسينى حک شده است.

(٣) - هو، الحمد لله الواقف على الضمائر والنيات، المطمع على السرائر والخفيات والصلوة والسلم على سيد الانبياء وصاحب البيئات والمعجزات، وعلى وصيه غوث المسلمين، وغياث الملة والدين، على مظهر العجائب ومظهر الكرامات، وبعد فقد اقر واعترف حضرة الواقف صاحب الاعظم والدستور المعظم الموفق للخيرات، المؤيد بالسعادت، وقفه الله تعالى لتشيد دعائم الاحسنات،

وتسديد قوائم القربات ، المشار اليه في هذه الوقفية الشرعية ، بانه وقف عن اصدق نية واخلص طوية جميع الاملاك المبنية على الجهات والشروط المعينة جسماً زبرفيها ، وذكر في مطاويها ، فالزمته باقراره الصريح ، واعترافه الصحيح ، صسولا (كذا) مشهدا من حفيبي من الاتقياء والصلحاء واني اضيقت الوقفية المذكورة واسست مبانها بالحكم والقضاء ، واحكمت قواعدا بالامضاء و الاجراً حرره اقل عباد الله الهادي فيض الله بن جعفر البغدادي كان الله له عوناً ونصيراً و رسوله شفيعاً وشيراً و وصيه اماماً واميراً آمين .

در پايان بهر او زده شده كه بقطره ٢ سانتيمتر است و

بر روی آن چنین حک شده است « فوض امره الى الله ،

اقل عباد الله فيض الله سنة ٩٥٣ » .

(٤) - هو الواي ، الحمد لله رب العالمين ، وغيث المستغيثين ، العلي الاعلى الذي لا يبلغ بكنه حقيقته افهام الواقفين ، ولا يحصى ثناءه السنة العارفين ، والصلوة والسلام على صاحب الشرع المبين ، وفضل الانبياء والمرسلين ، محمد سيد الاولين والآخرين ، وعلى واقف مواقف الدنيا (كذا) والدين ، وعالم معالم الحق واليقين ، على امير المؤمنين ، وآلهما وعترتهما الطاهرين المعصومين ، الذين من وقف املاكه وعقاراته في ولائهم وركب على سفينة جبههم فهو من الناجين ، ومن اعتصم بحبل الدنيا وتخلف عنها فهو من الهالكين ، صلوة دائمة الى يوم الدين . وبعد ، فلما وصلت الى روضة هذه الوقفية الشرعية النبوية ، ودوحة تلك المجلة الميجلة المليه المصطفوية ، رأيتها جنات عدن نبتت اشجارا اسطارها من المنابت الشريعة الشريفة ، و مزارع معمورة جرت انهارها عينها من العيون الصافية اللطيفة ، بلابل الفاظها ناطقة بالصدق والصواب وعنادل ارقامها خاطبة باحسن الخطاب ، وجدت مضمونها ثابتاً باعتراف حضرة الواقف الموفق للخيرات على نهج السنة والكتاب ، ومدلولها واضحاً باقرار صاحب المعترف البالي للمبرات ، اقراراً واعترافاً مقبولاً عند اولي الالباب ، فسقيت اشجارها بالمياه الاجرا والانقاد و استحكمت بنيانها بعمد الانهاء والاشهاد حرره اقل العباد وافقر الفقراء المحتاج الى عناية ربه الغنى فخر الدين على بن عطاء الله الحسيني ، حامداً مصلياً مسلماً مستغفراً .

مهر : بقطره ٢/٣ سانتيمتر كه بخط نسخ بر آن فقر شده :

الفقر فخرى ، وانا الفقير فخر الدين على ابن عطاء الله

الحسيني :

(٥) - هو، اقرحضرة الواقف الموفق المذكور بالوقف خالياً عن الشروط المبطله للواقف المذكور عند الفقير المهجور محمد بن محمد الحسيني حامداً مصلياً على محمد وآله .
 مهر : بقطر ٢/٢ سائتيمتر است که بر روی آن این کلمات
 منقور است لاله الله محمد رسول الله على ولي الله الفقير
 محمد الحسيني .

(٦) - هو الموفق للخيرات، ياغيث المستغيثين وياخير الناصرين ويا من يضاعف بفضله اجر المحسنين لك الحمد على اعانتنا بتوفيق المبرات ، و اعانتنا باخلاص عبارتك عن و رطات عظامهم المهلكات ، واهدنا (كذا) الى نيل الفوز بالنجاة باتباع آثار ملة من اخترته من خيار اشرف البريات، واقنفاء سواطع انوار هداية آله الائمة الهداة المعصومين ، الواقفين الموفقين على طريق الخلاص عن وييل الدركات ، الموصولين الى ذرى علا (كذا) المنزله واسنى الدرجات، عليه وعليهم افضل التحية واكمل الصلوة .

وبعد فهذا صكك حق ليس في صحة مضمونه وشرعية مكنونه ريب ولا شك. عرض على وانكشف ما اندسج في ستور سطوره بين يدي اثر تقرير تحريره باقرار اعالي جناب سوق الواقف العارف الواقف ، الواقف من شواسخ الخيرات اعلى الواقف، بجمله ما زبرفيه و سطر من في وير لدى بتفاصيل كله و حذافير جله فامضيت فحواه مشهداً وانقدت ما حواه منها وانا الابد المحتاج الى سزايا عفوسيده ورب المولى اسد الله بن على بن محمد الحسيني ختم الله له بالحسنى .

مهر : بقطر سه سائتيمتر است که بر روی آن سه سطر نقر

شده است سطر اول وسوم این شعراست

على الله فى كل اسور توكلى

بسالخمس اصحاب العبا توسلى

وسطر دوم العبد اسد الله الحسيني منقور است .

(٧) - هو، نحمدك يا من اوقفنا على مواقف الاوقات ، ووقفنا على مدارك الانعام والاسعاف ، ووقفنا لاقتناص ما فيه النجاة من الهول الاكبر يوم المحشر يوم العرض والمصاف، ونصلى على من ارسلته رحمة للعالمين ، وغوثاً مغيثاً للفقراء والمساكين، علياً متعالياً على الخلائق اجمعين، وآله الغراء الميامين وسادة الخلق اکتعين .